تأثیر ادبیات هنر در غرب

هنر هند به‏ویژه موسیقی و رقص سنتی،تأثیر فراوانی در غرب‏ گذارده است.این شعبات هنری،همراه با ورود مهاجران هندی‏ به غرب،به آن دیار رسید.هنرمندان شهیری چون فیاض خان، بسم اللّه خان،راوی شانکار،نصرت فتحعلی خان،نور جهان،مشتاق‏ علی خان،بهیم سین جوشی و...غرب را مسحور هنر هند نمودند. کنسرتهای آنان در کشورهای غرب،شمار زیادی از علاقمندان به‏ هنر هندی را گرد آورد.مشتاق علی خان،نوازندهء سه‏تار،موسیقی‏ زمان اکبر شاه را دوباره زنده کرد.نصرت فتح علی خان سبک قوالی‏ را در آمریکا و اروپا رواج داد.فیاض خان،امیر خان و غلام علی خان، ارایه‏دهنده نوع موسیقی خاصی هستند که در هند،سبک«خیالی» خوانده می‏شود.رحیم الدین و نصیر الدین خان داگار (Dagar) موسیق سنتی‏ای از هند را به غرب معرفی کرده‏اند که دروپاد (Drupad) نامیده می‏شود.

سینمای هنر نیز در توسعهء فرهنگ هند،نقش مهمی ایفا کرده است.شهرهای بمبئی و کلکته به صورت مراکز سینمایی‏ هند درآمده‏اند که هرساله رقم بالایی تولید فیلم می‏کنند.برخی‏ از فیلمها و هنرپیشه‏های هندی در غرب مقبولیتی یافته‏اند.بویژه‏ انگلستان،به سبب حضور چشمگیر مهاجران هندی،از کشورهای‏ پذیرنده سینمای هند به‏شمار می‏رود.هندیهای مهاجر در توسعه‏ ورزش غرب،بخصوص در انگلستان سهیم بوده‏اند.کاپیتان تیم ملی‏ ورزش کریکت آن کشور یک هندی الاصل مسلمان به نام«ناصر حسین»است.

داستان‏نویسی

در میان حوزه‏های ادبیات داستانی،داستان‏نویسی و به‏ویژه داستانهای‏ کوتاه هندی بیش‏از همه جوامع غرب را تحت‏تأثیر قرار داده است. اینک هندیها توانسته‏اند جوایز بزرگ،نظیر پولیترز (Pulitzer) را که‏ از مهم‏ترین و متمایزترین جوایز ادبی جهان است،به خود اختصاص‏ دهند.داستانهای داستان‏نویسان هندی در تیراژ صدها هزار نسخه‏ در آمریکا و انگلیس انتشار پیدا می‏کند و ناشران بزرگ جهانی برای‏ نشر آنها با یکدیگر به رقابت می‏پردازند.قابل ذکر است که اکثر این‏ داستان‏نویسان از زمرهء مهاجران هندی به غرب هستند.

هندیها از اواخر قرن نوزدهم قصه‏نویسی را به زبان انگلیسی را آغاز کردند.نخستین نسل داستان‏نویسان،قبل از استقلال هند و در دورهء استعمار انگلیس پدیدار شدند و آنها در اوایل قرن بیستم‏ به غرب رسید.ذیلا به معرفی مختصر چند چهرهء ممتاز آنها اشاره‏ می‏شود:

ایار (A.S.P.Ayyar)

از او داستان مشهوری به نام«داتیا» (Adatya) در سال‏ 1930 منتشر گردید که به خوبی فضای فرهنگی و اجتماعی هند در آن منعکس بود.

کریشنا سوامی ناگ‏آرجون‏ (Krishna Swami Nagarjun)

متولد سال 1893 میلادی،دو داستان مشهور او که مورد توجه‏ غربیان قرار گرفت و فرهنگ بومی مذهبی هند را در پیش چشم‏ آنان آورد،عبارت‏اند از:

1.(1937) Atarva House .

2.(1961) Chronicles Of Kedaram .

مولک راج آناندا (Mulk Raj Anand)

وی از نام‏آورترین و بانفوذترین داستان‏نویسان نسل اول هندی‏ است.در سال 1905 م.در پیشاور به دنیا آمد و در جوانی به انگلستان‏ کوچ کرد و درلندن و کمبریج به تحصیل پرداخت.کارهای او با آثار ماکسیم گروکی همطراز است.کتابهای او در لندن کرار تجدیدی چاپ‏ شده است.تم اصلی داستانهایش حکایت فقر و نداری است.تأثیر اندیشه‏های گاندی نیز در او کاملا محسوس می‏باشد.

راج آناند در مبارزه برای استقلال هند مشارکت فعال داشت.(1) شاهکار او داستانی است به نام«قلب بزرگ» (Big Heart) سایر آثار مهم او عبارت‏اند از:

1.(1935) Coolie .

2.(1936) The Untouchable .

3.(1937) Two Leaves and a Bad .

4.(1942) The Sword and the Sickle .

نارایان (Narayan)

بعد از از راج آناند،دومین‏ داستان‏نویس شهیر هند به‏شمار می‏رود. کتابهای وی بسیار مورد توجه غربیان قرار بخصوص مردم انگلیس قرار گرفت و بارها در لندن تجدید چاپ شد.وی از لحاظ فکری،به چپ متمایل بود.لذا، کتابهایش به زبان روسی هم ترجمه شد و در شوروی(سابق)منتشر گردید(2)از ابتکارات دابی او،خلق یک شهر خیالی‏ به نام مالگودی (Malgudi) در جنوب هند بود که به عنوان سوژه‏ داستانهایش انتخاب کرد.شاهکار او داستانی است به نام«راهنما» (The Guide) که به سال 1985 م منتشر شد.(3)از او بیست و پنج اثر به یادگار مانده است که مهمترین و مطرح‏ترین‏ آنها عبارت‏اند از:

1. The Guide .

2. Swami and Friend .

3. The English Teacher .

4. Mr.Sampat .

راجا رائو (Raja Rao)

در سال 1908 در کارناتاکا (Karantaka) متولد شو و در نوزده‏ سالگی به پاریس رفت.در دانشگاه مون پیلیه (Montpellies) به‏ تحصیل پرداخت.وی سالها در فرانسه به تدریس مشغول بود.درپی‏ دعوت دانشگاه تکزاس برای تدریس،به اتفاق‏ همسر فرانسوی‏اش به آمریکا رفت و در دوران‏ بازنشستگی در همان کشور مقیم شد.(4)راجا رائو متعلق به یک خانواده برهمان(بالاترین طبقه‏ در هندوئیسم)تعلق داشت و جدش از جمله‏ فیلسوفان بزرگ هندوان است.وی نویسنده‏ای‏ پرکار بود و شهرت فراوانی در فرانسه و آمریکا برای کشورش به وجود آورد.آخرین داستان وی‏ به سال 1976 م.در آمریکا منتشر گردید که به‏ زبان فرانسه برگردانده شد.(5)

جی.وی.دسانی (G.V.Desani)

از خانواده‏ای هندو،به سال 1909 م.در نایوربی‏ پایتخت کنیا به دنیا آمد.در کودکی به همراه خانواده‏ خود به انگلستان مهاجرت کرد.بعد از پایان جنگ‏ جهانی دوم به کشورش بازگشت و به یادگیری عرفان‏ هندی و فنون یوگا پرداخت.این‏بار به آمریکا مهاجرت‏ کرد و به عنوان استاد ممتاز فلسفه در دانشگاه تکزاس به‏ تدریس پرداخت و در سال 1980 م.استاد کرسی فلسفه‏ در دانشگاه بوستون-تکزاس شد.(6)

\*\*\* به چهره‏های شاخص نخستین نسل داستان‏نویسان هند که‏ توانستند با آثار بدیع و ارزنده خود،فرهنگ هند را به غرب معرفی‏ کنند،اشارتی رفت.این گروه توانستند از روح فرهنگ هندی برای‏ غریبان نقاب بردارند و جلوه‏های آن را به تماشا بگذارند.آنان به‏ ویژه،با بیان هنری خود نکات بی‏شماری از دوران استعمار و آنچه‏ که بر مردم از آن رفت،پرده برداشتند.همچنین آنها توانستند با استفاده از بدایع ادبی و فنون و ریزه‏کاریهای داستان‏گونه،جلوه‏های‏ معنوی و روحانی فرهنگ هند را به تماشا بگذارند و از این نابرابریها، فقر و مناسبات کاستی(طبقاتی)جامعه خود را در معرض افکار عمومی قرار دهند،و به این ترتیب وجوه خاص فرهنگ ملی خود را از طریق هنر،به غریبها نشان دهند و سمپاتی و همدلی آنها را به دست آورند.

گروه دوم داستان‏نویسان،پس از استقلال هند،دست به خلق‏ آثار ادبی خود زدند و غالبا آثار خود را در دهه‏های 50 و 60 میلادی‏ انتشار داده‏اند.زبده‏ترین و مؤثرترین آنها در انتقال فرهنگ هند به‏ غرب عبارت‏اند از:

بابانی باتاچاریا (Bhattacharya Bhabhani)

او تحت‏تأثیر اندیشه‏های گاندی و تاگور بود. کتاب مشهور او«موسیقی موهینی» (The Music Of the Mohini) نام‏ داشت که به سال 1952 م.منتشر شد.سایر آثار قابل‏ ذکر او عبارت‏اند است:

1. He Who Ride Tiger

2.1966 A Golden Named God

3. (A Dream in hawaii(1907)

در این آخرین کتاب،او تلاش کرده است تا نقاط اشتراک و افتراق تمدنهای شرق و غرب و مسایل مهاجران هندی را در آمریکا بررسی کند.(7)

منوهر مال گونگار (Manohar Mal Gonkar)

وی در سال 1913 م.متولد شد.در ادبیات داستانی،پیرو مکتب‏ رئالیسم بود.در خلال دگرگونیهای فکری‏اش،هدف هنر را صرفا ایجاد شادمانی و خوشی و التذاذ دانست و معتقد شد دنبال نمودن‏ اهداف سیاسی و اجتماعی،فراسوی رسالت هنر است،نخستین‏ کتاب پرآوازه وی ẓDistan DrumẒ در سال 1960 م.منتشر شد. با این حال،در آثار بعدی خود تجربیات تلخ تجزیه هند را منعکس‏ ساخته است.(8)

خوشونت سینگ (Khushwant Singh)

از دیگر داستان‏نویسان مشهور هند که محور اصلی داستانهایش‏ تجزیه شبه‏قاره می‏باشد.یک روزنامه‏نگار سیک،از اهالی پنجاب است که در دهلی‏ زندگی می‏کند.سبک داستان معروف خود به نام«قطار به سوی پاکستان» (Train to Pakistan A) را به حوادث‏ مربوط به مهاجرت میلیونها نفر از دو سوی‏ مرز هند و پاکستان اختصاص داده که منجر به درگیری و کشتار فجیعی می‏شود.این‏ نویسنده توانست با قلم طنزپرداز و نیشدار خود،غریبان را متوجه فاجعه تجزیه هند به دو کشور بکند.از این‏ مقاله‏نویس در روزنامه‏های کثیر الانتشار،داستانهای متعددی منتشر شده است که مهم‏ترین انها عبارت‏اند از:

1. I shall not Hear the Nightingal Song .

2. The Voice Of God .

\*\*\* نسل سوم داستان‏نویسان مؤثر در سالهای 1970 م.در عرصه‏ ادبیات ظاهر شدند.یکی از پدیده‏های جالب‏توجه و قابل ذکر این‏ است که شمار زنان هندی که به زبان انگلیسی داستان می‏نویسند در این دوره افزایش فراوان یافت.از میان مشهورترین چهره‏های‏ زن داستان‏نویس هند که توانست فرهنگ هند را با شیوایی قلم و تازگی فکر و به کار بردن تکنیکها و صنایع ادبی به غرب ارایه کند، «روث جاب‏والا»است.

روث جاب‏والا (Ruth Jhabwala)

وی از پدر لهستانی و مادری هندی در آلمان متولد شد و در انلیس زندگی کرد.از او هشت کتاب داستان به زبان انگلیسی‏ منتشر شده است.

کاملا مارکان‏دایا (kamla Markandaya)

دومین زن هندی داستان‏نویس که توانست توجه غربیان را به هند جلب کند.وی از مهاجران هندی مقیم انگلستان است که‏ موضوع اصلی داستانهایش را تجربیات مهاجران آسیایی در محیط غرب قرار داده است.داستانهای وی در انگلیس و آمریکا خواننده‏ فروان دارد.(10)او جایزه NSI در آمریکا را به خود اختصاص داد.(11) سایر آثار مهم او عبارت‏اند از:

1.1972 The Nowhere Man .

2.(1973) Two Virgins .

3.1977 The Golden Heny Comb .

نایاترا ساگال (Nayatra Sahgal)

این بانوی هنرمند،خواهرزاده جواهر لعل نهرو است.از آنجا که‏ او در خانواده طراز اول عرصه سیاست هند متولد شده بود،آثارش‏ غالبا سیاسی است.از او پنج داستان در غرب منتشر شده است که‏ معروف‏ترین آنها عبارت‏اند از:

1.(1958) The Time to be Happy .

2.(1968) This Time Of Morning .

آنیتا دسایی (Anita Desai)

خانم آنیتا دسایی در سال 1937 م.متولد شد.او در میان‏ نویسندگان زن هندی،در غرب از همه محبوب‏تر است.کتابهای‏ وی در تیراژ بسیار وسیعی در آمریکا و اروپا انتشار یافت.او را بهترین‏ داستان‏نویس هندی محسوب می‏شود.(12)مشهورترین آثار وی‏ عبارت‏اند از:

1.(1965) Voive in the City

ادبیات داستانی » شماره 81 (صفحه 52)

 1.(1971) (Bye Bay,Black Brid .

2.(1977) Fire On Mountains .

در میان دیگر بانوانی که در سالهای دهه‏های 70 و 80 به‏ داستان‏نویسی پرداخته‏اند،باید از دو خانم مسلمان به نامهای زینت‏ فتح اللهی و زهرا عطیه حسین نام برد.آثار این دو خانم،اقبال و توجه‏ بسیاری از غربیها را به دست آورد.خانم زینت فتح اللهی زندگی‏ اشراف حیدرآباد را در داستانهای خود نمایش داد و خانم عطیه‏ حسین(نویسنده شیعه مقیم لندن)وضعیت و مناسبات اجتماعی و خانوادگی نواب لکنهو را ترسیم کرد.بیان هنرمندانه آنان از حیات‏ در شرق.در ذائقه خوانندگان غربی بسیار وسوسه‏آمیز و دلچسب‏ آمد.کتاب داستانی خانم عطیه حسین، Broken Colony The Sunlight in the نام دارد.

\*\*\* دهه‏های هشتاد و نود،جدیدترین نویسندگان هندی در غرب‏ ظاهر گردیدند.از مشهورترین آنها که نام و آثارش برای ما شناخته‏ شده است.سلمان رشدی است.او که به شدت تشنه شهرت است، داستانهای سیاسی و جنجال‏آفرین متعددی نگاشته است.شهرت‏ بدنامی او به سبب نگارش کتاب«آیات شیطانی» (Verses The Satanic) بسیار بالا رفت،آثار دیگری نیز از او انتشار یافته که توجه‏ محافل ادبی غرب را به ادبیات هند جلب کرده است. دیگر نویسندگان معاصر هند عبارت‏اند از:

ویکرام ست (Vikram Seth)

او از جنجال‏آفرینی‏ها برکنار و هنرمندی بسیار بزرگ و دارای‏ احترام فراوانی است.

جمیله میسی (Jamila Massey)

از خانمهای مسلمان مهاجر مقیم لندن است.کتاب معروف او «مهاجران» (The Immigrants) داستانی در احوال مهاجران‏ آسیایی(هندی)به غرب است،که در شکلی ساده و بدیع ارایه شده‏ است.

ساروش کواسجی (Sarosh Cowasjee)

از پارسیان(زردشتیان)هند است که به سال 1975 م.رمانی به‏ نام«خداحافظی با السا» (Good Bay to Elsa) انتشار داد.

جومپا لاهیری (Jhumpa Lahiri)

این خانم از جوان‏ترین نویسندگان هندی است که نیویورک‏ تایمز او را به عنوان بهترین نویسنده جوان غرب،معرفی کرده است. وی که سی و شش سال دارد و بنگالی الاصل است،در انگلیس‏ متولد شد.بعد به آمریکا رفت و در بوستون تحصیل کرد و در سال‏ 2000،جایزه پولیترز را به خود اختصاص داد.با آنکه هرگز در هند زندگی نکرده است،داستانهای کوتاه(14)او اکثرا درباره هند قدیم‏ است.آثار او از پرخواننده‏ترین داستان‏نویسان هندی در غرب است. توصیف هنرمندانه و جاذب او درباره خانواده در هند قدیم،شیفتگی‏ فروانی در غربیان برانگیخته و آنان را سخت تحت‏تأثیر ویژگیهای‏ این اسلوب زندگی قرار داده است.

اروناداتی روی (Arunadhati Roy)

دیگر نویسنده هندی که خود از مهاجران جنوب هند به‏ غرب است و در سال 1998 م.جایزه پولیترز را دریافت کرد، خانم«اروناداتی روی»است.او نیز از جوان‏ترین و محبوب‏ترین‏ نویسندگان هندی مقیم غرب محسوب می‏گردد که در انتقال‏ فرهنگ و آداب و رسوم کشورش سهمی بزرگی دارد.

آثار این دو خانم در تیراژهای چند میلیونی در کشورهای غربی‏ منتشر میشود.جذابیت‏هایی که آنها از هند به مردم غرب نشان‏ داده‏اند و شگفتیهایی که از کشورشان در قالب داستان ارایه کرده‏اند، بر تعداد سیاحان غربی که خواستار دیدن این سرزمین عجیب و دوست‏داشتنی و غیرمتعارف شده‏اند،به شدت افزوده است.

نکته شگفت‏آور درباره داستان‏نویسان هندی این است‏ که آنها توانسته‏اند با قلم سحرانگیز و شیوه ادبی مؤثر،زشتیها و نابسامانیهایی را که در هند وجود دارد به گونه‏ای جلوه دهند که‏ تبدیل به جمال و حیرت‏افزایی شود.این درحالی است که سرزمینها و فرهنگهایی که در اصل و در عمق به مراتب شریف‏تر و پاکیزه‏ نهادتر و انسانی‏تر و شگفت‏انگیزترند،به سبب فقدان میانجی‏ها و نخبه‏های هنرمند و اشنا به زبان و ذائقه غربی،هرگز نتوانسته‏اند جایگاهی که واقعا در خور آن‏اند کسب نمایند و چه‏بسا چهره خشن‏ و خوفناکی که در اذهان ملل غربی پیدا کرده‏اند.حال آنکه اگر کسی‏ با بنیادها و عمق رموز هند آشنا شود،به خوبی درمی‏یابد که واقعیت‏ امر آن‏چنان هم زیبا و تلالوآمیز و انسانی نیست،و درواقع این هنر کلام و توصیفات ادبی است که رنگ واقعیتها را برگردانده و صورتی‏ بازارپسند به آن داده است.کسی که از طریق آثار این هنرمندان‏ و نظایر آنها با جامعه هند مواجه گردد و از چشم آنان این کشور را ببیند،زباله‏های انباشته شده،مناسبات طبقاتی وحشتناک،فقر باورنکردنی،عدم صداقت‏ها و پلشتیهای مادی و معنوی،در نظرش‏ زیاد زشت جلوه نمی‏کند.بلکه برعکس ناخودآگاه تلاش می‏کند که‏ با تعابیر شاعرانه و معناگرایانه آنها را در ذهنش توجیه کرده،نوعی‏ زیبایی مکنون و سحرآمیز و پوشیده در ابهامها در آنها کشف کند.به‏ خاطر وجود همین شخصیتهای هنری و فرهنگی و فلسفی و علمی‏ هندی مقیم غرب است که هد از نظر غربیها کشوری اسرارآمیز و معنوی شگفت‏انگیز جلوه می‏کند.درواقع آنان نمایندگان شایسته‏ای‏ برای معرفی،تأثیرگذاری و نفوذآفرینی فرهنگشان در غرب می‏باشند. هندیها برخلاف بسیاری دیگر از ملتها،با ورود به فرهنگ غرب در آن مستحیل نشدند و از کاستیهای فرهنگی بومی خود در مقابل غرب‏ منفعل نگردیدند.بلکه برعکس،فرهنگ بومی خود را حفظ کردند و با ستر کردن نقاط تاریک و یا با توجیه هنرمندانه آن،سعی در اشاعه و ترویج آن در کشورهای غربی نمودند و بسیار هم موفق‏ از کار درآمدند.تسامح و تساهل تن‏پرورانه هندوئیسم را تبدیل به‏ یک ارزش غرب‏پسند کردند و در همین گرودار،خود سخت به کار و کوشش پرداختند تا از هر آنچه نقطه مثبت در غرب تلقی می‏شد. (از زبان ثروت،متدولوژی،آکادمی،بهداشت و رفاه...)به سرعت‏ بهره‏مند گردند.

از دیگر نویسندگان زن هندی که آثارشان مورد پسند غربیان‏ قرار گرفت،خانمها شوباده (Shobha De) و تاردش پاده‏ (Tara Deshpande) می‏باشند.این خانم به واسطه نگارش‏ داستانهای جنسی‏اش،شهرت بسیاری در اروپا و امریکا به دست‏ آورده است.

پی‏نوشت‏ها:

(1). K.M.George:Ibid,P.190 .

(2). K.M.George:Ibid,P.202 .

(3). M.k.Nair:1992,P.154 .

(4). K.M.George:Ibid,P.204 .

(5). M.K.Nair:Ibid,P.166 .

(6). K.M.George:Ibid,P.193 .

(7). Nair:Ibid,P.172 .

(8). K.M George:Ibid,P.226 .

(9). K.M.George:Ibid,p.198 .

(10). Nair:Ibid,pp.233-234 .

(11). Nair:Ibid,p.236 .

(12). K.M.George:Ibid,p.236 .

(13). K.M.George:Ibid,p.243 .

(14). Short Stories